

یادداشتی بر مجموعه داستان «آرش در قلمرو تردید»

نادر ابراهیمی در قلمرو تردید

وارش گیلاسی: مجموعه داستان «آرش در قلمرو تردید» مجموعه‌ای است از ۹ داستان کوتاه که نام کتاب از یکی از داستان‌های آن به همین نام برگرفته شده است. «آرش در قلمرو تردید» حکایت آرشی امروزی است که تیر و کمان کودکانه‌ای به دستش می‌دهند تا از فراز دماوند رسالت تاریخی خود را انجام دهد و ایران را از دست دشمنان برهانند! آرش در کمرکش کوه درمی‌یابد که حتی نمی‌داند به کدام سو باید تیر بیفکند و کمان را بر سر زانو می‌شکند و گریان در دل کوه گم می‌شود!

۹ داستان کوتاه «آرش در قلمرو تردید» هر یک در جای خود تأمل‌برانگیزند! ضمن اینکه داستان‌ها مستقلاً و با هم ارتباط موضوعی ندارند.

«دوگانه اول»، «دوگانه دوم»، «به دست باد» «بدنام»، «شهر بزرگ»، «غیرممکن»، «پاسخ‌ناپذیر» و «مینا، ترس و خاموشی» «آرش در قلمرو تردید» نام ۹ داستان کوتاه کتاب «آرش در قلمرو تردید» است. اما داستان کوتاه آرش... که خدای تحرک و خدای بادها با او است، روح خویش را در تیری خواهد نهاد و چشمه‌های جوشان آب زندگی، جنگل‌های سبز در تنسیر، دشت‌های تشنه رویاندن گیاه و رودهای پیچان پر آب به ما باز خواهد گشت. آرش، یکه و تنها، با روح پلید مردگان، دیوها و تسلط «اجبار» خواهد جنگید؛ نه با سپاهی گران و نه همدوش دیگران؛ تنهای تنها. آرش، پیام‌آور بزرگ زمانه ما است. غبار قرون را می‌شکافد، و اینجا، بار دیگر داستان خویش را تکرار خواهد کرد. خلاصه داستان «آرش در قلمرو تردید» چنین است:

«زندگی دمی از هراس در پیش دیدگانش گسترده است و ایشان به چشم خویش می‌دیدند که دیوارهای سرزمین‌شان به روی چرخ‌های سنگین شکست برای آنها و کامجویی برای دیگران به درون می‌غلطد. مردان می‌گفتند که دیوارها به هم خواهد رسید و سرزمین ما به هیچ بدل خواهد شد؛ لیکن در دل این شجام (سرمای سخت) سستی‌ترین آفرین که زنان را در کنار آتش نشین و مردان را تسلیم و دل‌چرکین کرده

بود، روزی پیرمردی از میان کتاب‌های در خاک خفته‌اش دفتری را جست. در این دفتر داستانی بود، در این داستان مردی و پسر کف این مرد کمائی. بسیاری نادر ابراهیمی را در داستان‌هایش واقع‌گرا می‌دانند که گاه نیز از نمادها بهره می‌برد اما بسیاری نیز او را در داستان‌های کوتاه‌اش نویسنده‌ای سوررئال و نمادگر می‌دانند.

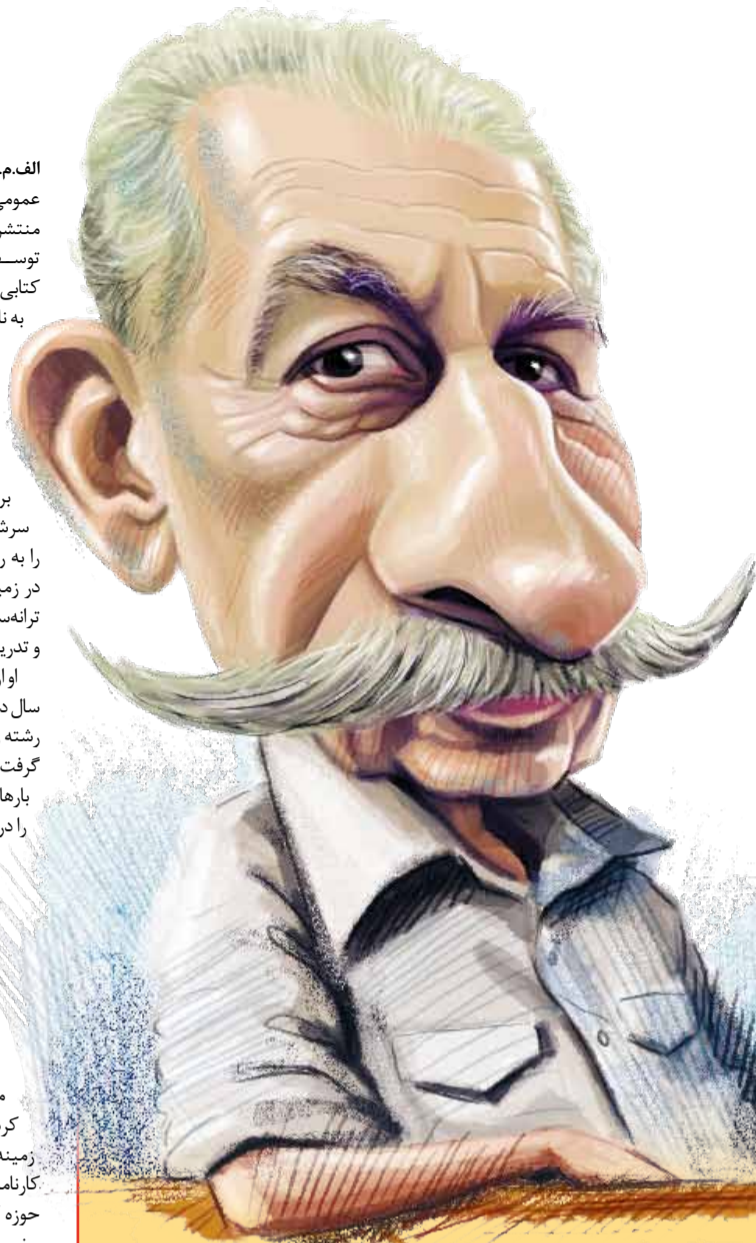
داستان‌های کوتاه ابراهیمی غالباً در فضایی بی‌مکان و بی‌زمان رخ می‌دهد و حالتی شعرگونه دارد. رویه ظاهری داستان ماجراجویی را نقل می‌کند و در بطن ماجرا ماجراجویی دیگر شکل می‌گیرد. به گفته بسیاری، با فراروی از متن و بنا به میزان اندیشگی خود، ماجراجویی دیگر را در درون خود تجربه می‌کند.

از آن گذشته، ایده‌های ابراهیمی واقعاً درخشان است؛ داستان کوتاه «غزل داستان» آن سوی تسلیم قدرت تخیل ابراهیمی را بخوبی نشان می‌دهد: «دشمن به شهری حمله می‌کند و ۳ نفر در حال تاس‌بازی هستند. فرمانده دشمن بالای سر آنها می‌رسد و آنها همچنان گرم بازیندا فرمانده به تمسخر می‌گوید که هر که برای بازنده باشد، جان خواهد داد، اما تاس‌ها دانما یکسان می‌آیند و...»

از سوی دیگر هر گاه داستان‌های ابراهیمی فرم خطی رایج را در زمان می‌شکنند، زیباتر می‌شوند. رمان «بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم» نمونه برجسته‌ای در این زمینه است.

عناصر مهم دیگر آثار ابراهیمی، طنز است؛ طنزی بیدار، تأثیرگذار و غالباً گزنده! طنزی که بین گرسختن و خندیدن دل‌دل می‌کند! و او بسیار خوب از این مشخصه برای تلنگر زدن به اندیشه مخاطب سود می‌برد. این طنز غالباً در محدوده طنز موقعیت است، نه طنز زبانی؛ موقعیتی که غالباً حاصل ضعف‌های درونی انسانی است.

نویسنده آگاهانه از این طنز در جهت القای روایت‌های بهتری انتظار داشتند اما سفارش خلی‌ها هم گفته‌اند: «نادر ابراهیمی روایت‌های بهتری انتظار داشتند اما سفارش به خواندن داستان «شهر بزرگ» کرده‌اند.»



نادر ابراهیمی یکی از داستان‌نویسان مشهور معاصر است که آثارش دارای سادگی و صمیمیت بسیار بوده و از نثری جذاب و شاعرانه برخوردار است. نادر ابراهیمی نه تنها داستان‌نویس بوده، بلکه در حوزه‌های فیلمسازی، تئاتر، سرای، نمایشنامه‌نویسی، فیلمنامه‌نویسی و تدریس هنر نیز فعالیت داشته است.

ابراهیمی، متولد ۱۴ فروردین ۱۳۱۵ خورشیدی در تهران و دارای لیسانس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی، در سال ۱۳۴۲ نخستین کتابش «خانه‌ای برای شب» را نوشت. او چند فیلم مستند و سینمایی و ۲ مجموعه تلویزیونی نوشت و کارگردانی کرد و در زمینه ادبیات کودکان در حدود ۵۰ اثر منتشر کرد. وی در سال ۱۳۸۷ درگذشت. ابراهیمی در زمینه رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه و فیلمنامه آثار بسیاری منتشر کرد که مشهورترین آنها «شهری که دوستش می‌داشتم» است. از دیگر کتاب‌هایش می‌توان «ابوالمشاغل»، «آرش در قلمرو تردید»، «هزاربای سیاه و قصه‌های صحرا»، «افسانه باران»، «فضاهای درونی»، «انسان، جنایت، احتمال»، «مکان‌های عمومی»، «در حد توانستن»، «غزل داستان‌های سال بد»، «فردا مشکل امروز نیست» و «یک عاشقانه آرام» را نام برد.

نادر ابراهیمی در داستان‌هایش از شیوه خطی استفاده کرده اما در آن از الگوی کلاسیک فاصله دارد و به سبک روایت داستان‌های مدرن امروز نزدیک است. حتی برخی معتقدند ابراهیمی در داستان‌های کوتاه خود از پیشگامان ادبیات پسامدرن است. در واقع ابراهیمی با خلق شیوه‌های جدید همچون «همخوانی تصویر و کلام» و «نثر شاعرانه» توانست به سبک خاص نویسنده‌ای دست یابد.

او در داستان‌هایش واقع‌گرایانه به جامعه می‌نگرد؛ هر چند گاه برای شخصیت‌پردازی از نماد، تمثیل و عناصر خیالی و دور از واقعیت استفاده کرده است.

نادر ابراهیمی در آثارش به مقوله‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی نیز بسیار توجه دارد.

برخی منتقدان ادبی ابراهیمی را نویسنده‌ای آرمانگرا می‌دانند. نادر ابراهیمی از نویسندگان برطرف‌دار و آثارش از برپرفروش‌ترین کتاب‌هاست.



یادداشتی بر مجموعه داستان «مکان‌های عمومی»

نادر ابراهیمی در مکان‌های عمومی

الف.م. نیساری: مجموعه داستان «مکان‌های عمومی» نادر ابراهیمی نخستین‌بار سال ۱۳۴۵ منتشر شد؛ چاپ هشتم آن پس از سال‌ها، اخیراً توسط انتشارات روزبهان منتشر شده است؛ کتابی در ۱۳۱ صفحه، شامل ۹ داستان کوتاه به نام‌های: کائوچو، زبان دیگر، یادگار مقدس، اخلاق نو، هدیه برای روزهای خوب، فردا از طریق امروز، خوب‌ها کمی پایین‌تر زندگی می‌کنند، ۱۲+۱ و خداحافظ داستاوسکی.

نادر ابراهیمی به عنوان یکی از برجسته‌ترین داستان‌نویسان معاصر، آثاری سرشار از سادگی و صمیمیت با نثری جذاب را به رشته تحریر درآورده است. وی همچنین در زمینه‌های گوناگونی همچون فیلمسازی، تئاتر، سرای، نمایشنامه‌نویسی، فیلمنامه‌نویسی و تدریس هنر فعالیت داشته است.

او از دبیرستان دارالفنون دیپلم ادبی گرفت، ۲ سال در دانشگاه حقوق خواند و رهايش کرد اما در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مدرک کارشناسی گرفت. از ۱۳ سالگی وارد فعالیت‌های سیاسی و بارها دستگیر و زندانی شد و شغل‌های بسیاری را در زندگی تجربه کرد.

نوشته‌ها را از ۱۶ سالگی آغاز کرد و در سال ۱۳۴۲ نخستین کتابش را با نام «خانه‌ای برای شب» نوشت که داستان «دشنام» در آن با استقبال چشمگیری مواجه شد.

نادر ابراهیمی چند فیلم مستند و سینمایی و ۲ مجموعه تلویزیونی نیز نوشته و کارگردانی کرده و نخستین موسسه غیردولتی ایران‌شناسی را تأسیس کرده است. ابراهیمی دارای آثار فراوانی در زمینه ادبیات کودکان است. او چند جایزه در کارنامه خود دارد: جایزه نخست «برائیسلاوا» در حوزه کودک، جایزه نخست «تعلیم و تربیت یونسکو»، جایزه کتاب برگزیده سال ایران و همچنین عنوان نویسنده برگزیده ادبیات داستانی ۲۰ سال پس از انقلاب.

روایت زندگانی امام خمینی (ره) از دیگر کارهای نادر ابراهیمی بود که در زمان خود به مزاج خیلی از روشنفکران خوش ننشسته بود.

نادر ابراهیمی در زندگی پرفراز و نشیب خود، رشته‌های گوناگون ورزشی را نیز تجربه کرد. وی در سال ۱۳۸۷ درگذشت.

نادر ابراهیمی آثار گوناگونی را در قالب‌هایی همچون رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه و فیلمنامه خلق کرده است. از آثار نوشتاری وی افزون بر «خانه‌ای برای شب» و «ابوالمشاغل» می‌توان به «آرش در قلمرو تردید»، «هزاربای سیاه و قصه‌های صحرا»، «افسانه باران»، «فضاهای درونی»، «انسان، جنایت، احتمال»، «مکان‌های عمومی»، «در حد توانستن»، «غزل داستان‌های سال بد»، «فردا مشکل امروز نیست» و «یک عاشقانه آرام» را نام برد.

نادر ابراهیمی در داستان‌هایش از شیوه خطی استفاده کرده اما در آن از الگوی کلاسیک فاصله دارد و به سبک روایت داستان‌های مدرن امروز نزدیک است. حتی برخی معتقدند ابراهیمی در داستان‌های کوتاه خود از پیشگامان ادبیات پسامدرن بوده است. وی در دوره‌ای که نویسندگان آثار مدرن خلق می‌کردند، دست به هنرگریزی‌هایی از چارچوب داستانی، شیوه‌های روایت و اختلال زبانی در داستان می‌زد. در واقع ابراهیمی با خلق شیوه‌های جدید همچون «همخوانی تصویر و کلام» و «نثر شاعرانه» توانست به سبک خاص نویسنده‌ای دست یابد.

یکی از شیوه‌های روایی ابراهیمی تغییر کانون روایت بود. این تکنیک از شوگردهای الگوی مدرن و شکل اغراق‌شده‌ای از الگوی پسامدرن بهره می‌برد. زاویه دید نادر ابراهیمی به جامعه، واقع‌گرایانه بود، چرا که می‌خواست پیدا و ناپیدای زندگی را به دیگران پرننگ و ملموس‌تر نشان دهد، هرچند ابراهیمی در بعضی داستان‌های خود برای شخصیت‌پردازی به جای اشاره مستقیم به زندگی انسان و وقایع پیرامونش، از نماد، تمثیل، عناصر خیالی و دور از واقعیت استفاده کرده است. ابراهیمی با نوشتن داستان کوتاه، روایتگر تغییر و تحول‌های زمانه بود تا خصلت‌ها و ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی جامعه را در بازه زمانی نشان دهد.

کامران پارسی‌نژاد، نویسنده می‌گوید: «ساختارگرایی در آثار نادر ابراهیمی همراه با احساس و عاطفه است.» یکی دیگر از ویژگی‌های آثار ابراهیمی توجه به مقوله‌هایی همچون روانشناسی و جامعه‌شناسی در کنار شیوه‌های نگارشی داستان‌نویسی است. برخی منتقدان ادبی، نادر ابراهیمی را نویسنده‌ای آرمانگرا می‌دانند. نادر ابراهیمی از پس وفات و سال‌ها نویسنده‌ای که به واسطه دهه ۴۰ بازمی‌گردد، هنوز هم برطرف‌دار است. با پایان یافتن نمایشگاه‌ها در هر سال، آماری از فروش کتاب‌های نادر ابراهیمی منتشر می‌شود که شگفت‌انگیز است. طبق اعلام ناشرش، فروش بیش از ۶ هزار جلد از کتاب‌های نادر ابراهیمی به همراه فروش ۶۰ دوره کامل از کارهایش در سال‌های اخیر حیاتش، باعث شد لقب برپرفروش‌ترین نویسنده نمایشگاه کتاب به وی تعلق بگیرد؛ کسی که ۹ سال به خاطر بیماری‌اش نتوانسته بود کتاب جدیدی منتشر کند

اینک از متن کتاب «مکان‌های عمومی» بُرشی می‌آوریم تا درباره آن به طور ویژه و خاص چند کلامی گفته آید:

«خانم خیلی خیلی ببخشید اینطوری می‌نویسم، شما چکار دارید که ما چطور می‌هستیم. من شرح زندگی ندارم که برای شما بنویسم. ما اگر خیلی بدبخت هستیم در آن دنیا خوشبخت می‌شویم. پدرم گفت اگر شما چیزی بدهید من بگیرم چون ما گدا نیستیم. من گفتم که جایزه گرفتم اما پدرم گفت نمی‌خواهد. جایزه بگیر. شما دیگر به من جایزه ندهید. پدرم مرا تنک می‌زند، می‌گوید پس بده. من خجالت می‌کشم پس بدهم. خانم آموزگار! آدم بد در این دنیا خوشبخت است ولی در آن دنیا بدبخت می‌شود می‌سوزد. چون خدا آدم فقیر بیچاره را خیلی دوست دارد. خانم آموزگار! من نمی‌خواهم شما را ناراحت کنم. ولی شرح زندگی ندارم.»

داستان‌های کتاب «مکان‌های عمومی» شامل: کائوچو که مصاحبه با نویسنده‌ای قدیمی است. زبان دیگر که در آن مرد به اصرار همسرش به مهمانی می‌رود و... یادگار مقدس که در آن مرد به دیدن دوستش در دوران جنگ می‌رود. اخلاق نو که حکایت دیدار از فامیل تازه برگشته از آمریکا است. هدیه برای روزهای خوب که درباره انشاهای چپ‌هاست. فردا از طریق امروز؛ که حکایت بچه‌های مدرسه پسرانه است. ورزشکارها بود.



۱۲+۱؛ که داستانی درباره ترس از سیزده‌به‌دوازده است. خداحافظ داستاوسکی؛ که حکایت یک دوستدار ادبیات است که به حجره فرش فروشی می‌رود، است.

کتاب «مکان‌های عمومی» از مجموعه داستان‌های کوتاهی شکل گرفته که به نوعی انزوا و احساس کلافگی افراد نسبت به افراد و وقایع اطرافشان را نشان می‌دهد! کلافگی هنرمندی که دچار توهم است از صحبت با یک روزنامه‌نگار، کلافگی و احساس خفگان یک معلم از مسأله فقر، احساس کلافگی و ترس یک خانواده از نحسی روز ۱۳ عید و همین‌طور بقیه داستان‌ها! از منظر خوانندگان حرفه‌ای که این مجموعه داستان‌ها را خوانده‌اند، نظر‌های متنوعی می‌توان دریافت کرد که اغلب به هم نزدیکند:

یکی می‌گفت: «بین داستان‌ها» خوب‌ها کمی پایین‌تر زندگی می‌کنند «را بیشتر از بقیه می‌توان دوست داشت.» دیگری می‌گفت: «داستان آخر کتاب، «خداحافظ داستاوسکی»، معرکه است! مخصوصاً اگر اهل مطالعه باشی و عشق ادبیات، دیوانه‌ات می‌کند. همچنین است داستان‌هایی که نادر ابراهیمی از فضای مدرسه می‌سازد که در این کتاب ۲ داستان اینچنین است: «اخلاق نو» هم خیلی خوب بود.»

سومی نظر مخالف داشت و می‌گفت: «کل داستان‌ها فقط ساخته‌شده از یک مشت توصیفات قشنگ است ولی حرفی برای گفتن ندارد. شاید تاریخش گذشته است. شاید زمان خودش خواندنی بوده!»